

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

155

Case No. 284Date of filing: 29.4.87

** AWARD - Type of Award Final
 - Date of Award 29.4.87
 _____ pages in English 25 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

پرونده شماره ۲۸۴

شعبه دو

حکم شماره ۲-۲۸۴-۲۰۴

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

155

IRAN UNITED STATES
CLAIMS TRIBUNAL
ایران - ایالات متحدہ
داوری دعاوی

ثبت شد - FILED

Date 29 APR 1987
۱۳۶۶ / ۲ / ۹

284

اوتیس الویتور کامپنی،

خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

و بانک ملت،

(سابقاً "بانک تجارت خارجی ایران")،

خواندگان.

حاضران:

آقای دیوید ئی . مک گیفرت

آقای استیو سویگرت

آقای استیفن اچ . مارکوس

از طرف خواهان:

سرمایه‌گذاری در یک شرکت جدید، به ایران سرمایه وارد کند. اوتیس و گروه ارجمند یک شرکت مختلط سهامی به نام "آسانسور ایران"، برای ایجاد یک کارخانه آسانسورسازی در ایران تشکیل دادند که در هفتم دسامبر ۱۹۷۵ [۱۶ آذر ۱۳۵۴] به ثبت رسید. چون طبق قوانین ایران، اتباع خارجی نمی‌توانستند صاحب اکثریت سهام این قبیل شرکت‌های تولیدی باشند، درصد مالکیت در شرکت آسانسور ایران عکس درصد مالکیت در اوتیس ایران بود، بدین معنی که اوتیس با داشتن ۴۰٪ سهام، سهامدار اقلیت (طبقه ب) بوده و سرمایه‌گذاران ایرانی با داشتن ۶۰٪ سهام، سهامدار اکثریت (طبقه الف) بودند. خواهان حصة خود از سرمایه آسانسور ایران را در دو قسط در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷، کلاً به مبلغ ۸۰۰،۰۰۰/- دلار پرداخت نمود. ادعای حاضر صرفاً به سلب مالکیت ادعائی از حقوق و منافع خواهان در آسانسور ایران مربوط می‌شود (ادعاهای مربوط به اوتیس ایران موضوع پرونده شماره ۲۲۸ است که به شعبه یک احاله شده). با اینحال، تجزیه و تحلیل ادعای حاضر و تصمیم‌گیری راجع به آن، مستلزم بررسی سوابق موضوعی هر دو شرکت است که سهامداران مشترک و همچنین مدیران و دفاتر و تاسیسات مشترکی داشته‌اند. با اینحال، یافته‌های دیوان در پرونده حاضر محدود به مدارکی است که در رابطه با آسانسور ایران ارائه گردیده‌است.

۵ - اساسنامه آسانسور ایران به اوتیس حق می‌داد که دو عضو از پنج عضو هیئت مدیره را انتخاب کند و برخی از تصمیمات مهم، مستلزم تصویب یکی از دو مدیر منصوب اوتیس بود، از جمله تعیین صاحبان امضاهای مجاز شرکت، خرید و فروش دارائیهای شرکت که ارزش آن بیش از ۲۰ میلیون ریال باشد، اخذ وام و استقراض مبلغی بیش از ۲۰ میلیون ریال و ارتهان یا در وثیقه قراردادن هر یک از دارائیهای شرکت، تضمین تعهدات اشخاص ثالث و نصب مدیر عامل. آقای کامل فائق، یکی از کارمندان با سابقه اوتیس به عنوان یکی از مدیران اوتیس و همچنین به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره آسانسور ایران منصوب گردید. (آقای فائق درعین حال مدیر عامل اوتیس ایران نیز بود). در مه ۱۹۷۶، هیئت مدیره آسانسور ایران اختیارات وسیعی در مورد مدیریت شرکت به آقای

فائق اعطا کرد و از جمله به وی اجازه داد که اختیارات وسیع خود را تفویض نماید.

۶ - آسانسور ایران طی سالهای ۷۷-۱۹۷۶ مطالعاتی در مورد بازاریابی، مهندسی و ساختن قطعات لازم برای تدارک تاسیس کارخانه، انجام داد. طرحهای لازم تهیه شد و فهرستی از ابزارها و دستگاههای لازم تهیه، و برای کسب اجازه ورود به دولت تسلیم گردید. زمینی به ارزش معادل ریالی ۳۱۶،۰۰۰/- دلار برای محل کارخانه خریداری شد و آماده کردن محوطه آغاز گردید و ساختمان پیش ساخته‌ای برای کارخانه سفارش داده شد. ولی کار پروژه متوقف گردید، زیرا در نتیجه تغییر در وضعیت تقاضا در بازار، لازم بود بررسی‌هایی در مورد اصلاح طرح کارخانه صورت گیرد تا بتوان آسانسورهای سریعتر و بزرگتر با درهای اتوماتیک تولید کرد. در مورد حدود و هزینه پروژه اصلاحی، بین خواهان و گروه ارجمند اختلاف نظر ایجاد شد. سرمایه‌گذاران ایرانی سعی داشتند برای گسترش پروژه، از داخل ایران سرمایه تهیه و در تولید قطعات لازم برای محصولات نهائی از امکانات موجود در ایران، بیشتر استفاده کنند. اوتیس درصد بود که با محدود کردن حدود کار و افزودن نسبت قطعات وارداتی آسانسور از شرکتهای تابعه خود در خارج از ایران، همان ترکیب سرمایه‌گذاری اولیه پروژه را حفظ کند.

۷ - تا ژانویه ۱۹۷۹، بلا تکلیفی‌ها و تغییرات حاصل در محیط اقتصادی در اثر انقلاب ایران، ادامه پروژه را با موانع بیشتری روبرو ساخت. آسانسور ایران پروانه‌ای برای احداث کارخانه گرفته بود، ولی غیر از آن، کار چندانی انجام نداده و بصورت غیرفعال باقی مانده بود. طبق اظهار خوانده، در اوت ۱۹۷۹، گروه ایرانی که صاحب اکثریت سهام بود، پیشنهاد کرد که به دلیل عدم امکان اجرای پروژه، سرمایه آسانسور ایران ۵۰٪ کاهش یابد. خواهان اظهار می‌دارد که موضوع کاهش سرمایه پروژه از آنجا مطرح شد که سهامداران ایرانی می‌خواستند برای مقاصد دیگری سرمایه به دست آورند. در هر صورت، آقای فائق با ذکر این مطلب که "در صورت کاهش سرمایه اوتیس، موقعیت شرکت تضعیف خواهد شد"، از طرف اوتیس با این کار موافقت نکرد و خاطر نشان ساخت که

توزیع سود سهام سال ۱۹۷۸ ظاهراً در نتیجه کنترل ارز مجاز نمی‌باشد. طبق اظهار خواندگان، در این موقع اعتبار پروانه اعطائی به آسانسور ایران برای ساختمان کارخانه منقضی شده‌بود. در جواب خواندگان، اوتیس استدلال می‌کند که تمدید رسمی پروانه قانوناً ضروری نبود. صرفنظر از صحت یا عدم صحت این استدلال، روشن به نظر می‌رسد که آسانسور ایران کاملاً غیرفعال باقی ماند.

۸ - طی سال ۱۹۷۹ اوتیس ایران نیز برای ادامه عملیات خود با مشکلاتی روبرو بود. در فوریه ۱۹۷۹ اوتیس ایران حدود ۱۴۰ نفر کارگر برای کارهای تولیدی و ۴۵ نفر کارگر برای کارهای غیرتولیدی، منجمه ۳۵ نفر خارجی استخدام کرد. تا اواسط سال ۱۹۷۹ کلیه خارجیان به استثنای آقای فائق ایران را ترک کردند و گروهی از کارگران ایرانی یک سندیکای کارگری تشکیل دادند که هدف آن حفظ منافع کارگران از لحاظ حقوق خاتمه خدمت و غرامت مقرر طبق قانون کار ایران بود. در نوامبر ۱۹۷۹ آقای فائق پس از آنکه خود و خانواده‌اش مورد ایزد^۶ و تهدیداتی واقع شدند، ایران را ترک کرد و از آن‌ببعد، بوسیله تلفن و تلکس ارتباط خود را با آسانسور ایران، به‌ویژه با فردی بنام آقای نائینی، حفظ نمود.

۹ - آقای نائینی در سال ۱۹۷۷ به استخدام اوتیس ایران درآمد و در اوایل سال ۱۹۷۹ که خارجیان شاغل در سمت مدیریت امور مالی دو شرکت اوتیس ایران و آسانسور ایران کشور را ترک کردند، نامبرده به عنوان مدیر مالی هر دو شرکت منصوب گردید. در ژوئن ۱۹۷۹ وی به عنوان معاون مدیر عامل اوتیس ایران منصوب شد و از اکتبر ۱۹۷۹، هیئت مدیره آسانسور ایران وی را به عنوان مدیر عامل منصوب کرد(۱).

(۱) در مدارک، از آقای نائینی یا به عنوان Managing Director و یا به عنوان General Manager نام برده شده و روشن است که وی هیچگاه عضو هیئت مدیره آسانسور ایران نبوده است.

به علاوه، آقای نائینی به عنوان یکی از صاحبان امضای مجاز حسابهای بانکی آسانسور ایران در بانک تجارت خارجی ایران توسط آقای فائق معرفی شده بود. بانک مزبور از اواسط سال ۱۹۷۹ ملی شد و آخر الامر در خوانده بانک ملت ادغام گردید. اختیارات آقای نائینی در حدی بود که هم حساب جاری و هم حسابهای سپرده مدت دار را شامل می شد، هر چند، همانطور که در بالا ذکر شد، برای اداره آن حسابها به دو صاحب امضاء نیاز بود، یک نفر نماینده مدیران طبقه الف و دیگری نماینده مدیران طبقه ب. در اواخر سال ۱۹۷۹ و اوایل سال ۱۹۸۰، ظاهراً افراد صاحب امضای طبقه الف آقای ارجمند و شخص دیگری بنام آقای شفیعی بودند. در ژانویه ۱۹۸۰ شخصی بنام آقای پورزند به جای آقای شفیعی معرفی شد. افراد صاحب امضای طبقه ب آقایان فائق و نائینی بودند.

۱۰ - در اثر دگرگونی های شدید ناشی از انقلاب ایران و کسادى تجارت و غیبت کارمندان خارجی، اوتیس ایران در اواسط سال ۱۹۷۹ به فکر کاهش عملیات خود افتاد و از وزارت کار درخواست صدور اجازه جهت کاهش کارکنان خود را کرد. متعاقباً سندیکای کارگران تقاضا کردند که مزایا و غرامت خاتمه خدمتی که طبق اظهار خواهان، بیش از حداقل مقرر در قانون بود، به کارگران پرداخت شود. طبق اظهار خواهان، در اواخر سال ۱۹۷۹ و اوایل سال ۱۹۸۰، بعضی از مقامات اوتیس ایران از طرف سندیکای کارگران تحت فشار قرار گرفتند که تخصیص وجوهی را برای پرداخت مطالبات کارگران تضمین نمایند. ظاهراً سندیکای کارگران از وجود موجودی نقدی دست نخورده و نسبتاً معتنابه آسانسور ایران آگاه بود، و ابتدا سعی کرد برای استفاده از آن وجوه، به منظور تامین خواسته های کارگران اوتیس ایران، موافقت اوتیس را تحصیل کند و ظاهراً این تقاضاها با تهدید به اعمال زور نیز همراه بود. خواهان اظهار می دارد که سندیکای کارگران اوتیس ایران آقای نائینی و آقای شفیعی را گروگان گرفته و به زور اسلحه ایشان را وادار کردند چکهای سفیدی از حساب آسانسور ایران کشیده و دستورهای بدون تاریخی برای انتقال وجوه حسابهای سپرده ثابت به حساب جاری، امضاء کنند. گرفتن

امضاء روی چکهای سفید و نیز گرفتن دستوره‌های انتقال وجوه از آقای شفیع در اواسط اکتبر ۱۹۷۹ صورت گرفت و گرفتن امضاء از آقای نائینی در مورد یکی از چکها و همچنین در مورد یک دستور انتقال وجه، در ۱۴ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۴ دیماه ۱۳۵۸] انجام شد. در این ضمن، آقای ارجمند حق امضائی را که طی نامه مورخ ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹ [نهم آبان ۱۳۵۸] به آقای شفیع، نماینده خود داده بود، لغو و آقای پورزند را بعداً به جای نامبرده منصوب کرد. آقای پورزند در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۵ دیماه ۱۳۵۸] نمونه امضای خود را به بانک فرستاد. خواهان می‌گوید که چون کارگران نمی‌توانستند با امضای غیرمعتبر آقای شفیع چک ۳۰ میلیون ریالی را نقد کنند، آقای پورزند را گروگان گرفته، وی را وادار کردند که امضاء چک را تأیید کند.

۱۱ - این چک ۳۰ میلیون ریالی تقریباً معادل نیمی از موجودی نقدی آسانسور ایران بود که در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۶ دیماه ۱۳۵۸] با امضای آقای نائینی و آقای پورزند عهده حساب جاری آسانسور ایران در بانک تجارت خارجی صادر، و به حسابی به نام آقای نائینی و سه نفر از کارگران اوتیس ایران واریز شد. بانک تجارت خارجی برای آنکه وجه کافی در حساب جاری باشد، در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۶ دی ماه ۱۳۵۸] مبلغ ۶۰ میلیون ریال از حساب سپرده ثابت آسانسور ایران به حساب جاری آن شرکت به صورت انتقال داخلی واریز کرد. آقای نائینی طی تلکس مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۴ دیماه ۱۳۵۸] به اوتیس اطلاع داد که او "وادار" به امضای چک ۳۰ میلیون ریالی شده و "کنترل عملیات شرکت از دست مدیریت [آسانسور ایران] خارج گردیده‌است". در ۱۸ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۸ دیماه ۱۳۵۸] پس از آنکه وجه چک ۳۰ میلیون ریالی پرداخت شد، آقای فائق به بانک اطلاع داد که امضاهای روی چک با اعمال زور تحصیل شده و به بانک دستور داد چک را پرداخت نکند و اظهار داشت که چنانچه زیانی در اثر این دستورات متوجه بانک شود، وی خسارت بانک را جبران خواهد کرد. وی در این تلکس اشتباهاً اعلام کرد که آقای نائینی مجاز به امضاء از طرف آسانسور ایران نیست. بانک در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ [سوم بهمن ماه ۱۳۵۸] پاسخ داد که هر دستوری درمورد حسابهای

آسانسور ایران در بانک مزبور، باید مشترکا" توسط دو نفر از مدیران صادر و طی تلکس تأیید و گواهی شده مخابره گردد و بهتر است که ارسال تلکس از طریق یک بانک کارگزار صورت گیرد. بانک همچنین اعلام کرد که وکالتنامه‌ای در اختیار دارد که آقای فائق به آقای نائینی داده است. در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰ [۸ بهمن ماه ۱۳۵۹] آقای فائق و آقای ارجمند از طریق یک بانک فرانسوی طی تلکس تأیید شده‌ای، حق امضای را که به آقای نائینی و پورزند داده بودند، لغو و اطلاعیه قبلی آقای فائق را دایر بر اینکه چکهای صادره، از جمله چک ۳۰ میلیون ریالی تحت شرایط اجبار امضاء شده، تأیید کردند و به انتقال داخلی از حساب سپرده بهره‌دار به حساب جاری بدون بهره که از نظر اوتیس غیرمجاز بوده، اعتراض نمودند و به بانک دستور دادند که کلیه وجوه آسانسور ایران را به حسابهای بهره‌دار بازگرداند. این دستور اجرا نشد.

۱۲ - در این ضمن، تحریکات و فشار برای پرداخت مطالبات کارگران اوتیس که وجوه اوتیس برای آن کافی نبود، بیش از پیش ادامه یافت. آقای نائینی در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۹ دیماه ۱۳۵۸] به آقای فائق اطلاع داد که وی و عده‌ای از سهامداران ایرانی اوتیس در مورد میزان حقوق بازخرید آن عده از کارمندان اوتیس ایران که داوطلبانه شرکت را ترک کنند، با سندیکای کارگران به توافق رسیده‌اند. در تلکس آقای نائینی قید شده بود که موافقتنامه راسه‌مداران حاضر و [نماینده] وزارت کار امضاء کرده‌اند. اوتیس به آقای نائینی اطلاع داد که بامیزان پرداختها موافقت ندارد، زیرا بیش از وجوه نقدی اوتیس ایران است.

۱۳ - در ۲۲ ژانویه ۱۹۸۰ [دوم بهمن ماه ۱۳۵۸] آقای نائینی به عنوان مدیر عامل آسانسور ایران و قائم مقام مدیر عامل اوتیس ایران و به قرار مسموع، از طرف سهامداران ایرانی آسانسور ایران، از وزارت بازرگانی درخواست نمود که برای هر دو شرکت آسانسور ایران و اوتیس ایران ناظری منصوب نماید. در نامه قید شده بود که:

محترماً" اینجانب، محمود نائینی، مدیر عامل شرکت آسانسور ایران و

قائم مقام مدیر عامل شرکت آسانسور اوتیس ایران، باستحضار میرساند که آقای کامل فائق مدیر عامل شرکت اوتیس ایران که به سمت مدیر عامل شرکت اوتیس [کشور] کویت نیز منصوب گردیده و قرار بوده که اوقات خود را بین دو کشور تقسیم و هر دو شرکت را اداره نماید، اکنون حدود دوماه ونیم میباشد که عملاً به ایران نیامده و یکی از اعضاء هیئت مدیره نیز در ایران نمیباشد. مدیران تصمیم به بازخرید کارکنان شرکت اوتیس و تقلیل تعداد کارگران گرفته‌اند و کارگران نیز مطابق قانون کار درخواست مزایای خاتمه کار خود را دارند و شرکت آسانسور ایران نیز از مدت‌ها پیش اصلاً فعالیتی ندارد. اینجانب که قائم مقام آقای فائق در اوتیس ایران میباشم، درعمل مواجه با اشکالاتی هستم و سهامداران شرکت نیز اظهار میدارند اگر دولت ناظر بفرستد، مانع از بین رفتن شرکتها و بیکاری عده‌ای خواهدشد. لذا تقاضا مینمایم بمنظور حفظ حقوق صاحبان سهام و منافع آنها ناظری تعیین نمائید تا بر ادامه امور شرکت ها نظارت نموده و مشکلات جاری شرکت ها را حل نماید.

۱۴ - با اینحال، آقای نائینی متعاقباً در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰ [هشتم بهمن ۱۳۵۸] تلکسی به آقای فائق در پاریس مخابره، و طی آن اعلام کرد که:

انتصاب مدیر عامل از طرف دولت به پیشنهاد من نبوده، بلکه به علت مشکلات شرکت بوده که دولت پیشنهاد، و دیکته کرده است.

۱۵ - روز بعد، تعداد کافی از اعضاء هیئت مدیره اوتیس و گروه ارجمند در پاریس تشکیل جلسه داده و تدابیر مختلفی درمورد هردو شرکت اتخاذ نمودند. درجلسه ملاقات پاریس، هیئت مدیره آقای نائینی را از سمت مدیریت عامل آسانسور ایران (ولی نه اوتیس ایران) برکنار، و آقای رینولدز را برای مدت یکسال به عنوان مدیرعامل نصب نمود. هیئت مدیره اوتیس سعی کرد صورتجلسه این نشست را رسماً ثبت و در روزنامه رسمی چاپ نماید. وزارت دادگستری از طریق اداره ثبت شرکتها اطلاع داد که طبق اساسنامه آسانسور ایران، شرکت باید ابتدا به انتخاب هیئت مدیره جدید پردازد، زیرا مدت ماموریت هیئت مدیره فعلی منقضی شده است. ظاهراً برای اجرای این درخواست اقدامی نشد. طبق شهادتنامه آقای نائینی که توسط وزارت بازرگانی در ۶ ژوئیه ۱۹۸۴ [۱۵ تیر ۱۳۶۳] در این پرونده ثبت گردیده، آقای نائینی حداقل تا سال ۱۹۸۴ ظاهراً

سمت خود را به عنوان مدیرعامل حفظ کرد.

۱۶ - در ۱۵ فوریه ۱۹۸۰ [۲۶ بهمن ۱۳۵۸] وزارت بازرگانی، طبق تصویبنامه شماره ۶۷۳۸ مصوب ژوئن ۱۹۷۹ (۲) اطلاعیه‌ای صادر، و انتصاب فردی بنام آقای شاهعلی را به عنوان "ناظر مالی" آسانسور ایران اعلام کرد. در این اطلاعیه قید شده بود که "کلیه مکاتبات و اسنادی که برای [آسانسور ایران] ایجاد تعهد می‌کند، باید مشترکاً" توسط ناظر مالی و قائم مقام مدیرعامل یا مدیرعامل امضاء شده باشد. به نظر می‌رسد که آقای شاهعلی بطور همزمان، بعنوان ناظر مالی اوتیس ایران نیز منصوب گردید.

۱۷ - در این اثناء، تحریکات کارگران اوتیس ایران برای انجام خواسته‌هایشان ادامه داشت. آقای نائینی همراه با سهامداران ایرانی دو شرکت که در ایران باقی مانده بودند، برای حل مشکلات به مذاکره ادامه می‌دادند. در دهم مارس ۱۹۸۰ [۱۹ اسفند ۱۳۵۸] آقای نائینی تلکسی درباره مذاکرات برای آقای فائق فرستاده، گزارش داد که با سندیکای کارگران به توافق رسیده است در توافق حاصله پیش بینی شده بود که از ۳۰ میلیون ریالی که قبلاً توسط آقای نائینی و [سه نفر از] کارگران از حساب آسانسور ایران برداشت شده بود، استفاده بعمل آید. طبق مدارک تسلیمی، آقای نائینی متعاقباً در ۱۵ آوریل ۱۹۸۰ [۲۶ فروردین ۱۳۵۹] از اوتیس درخواست کرد که موافقت نامه را تصویب نماید. در ۱۷ آوریل ۱۹۸۰ [۲۸ فروردین ۱۳۵۹] اوتیس موافقت خود را بطور مشروط اعلام و اضافه کرد که آقای ارجمند نیز باید موافقت نامه را تصویب نماید. موافقت آقای ارجمند اعلام نشد، لیکن این عدم موافقت مانع نشد که آقای نائینی در ۲۰ آوریل ۱۹۸۰ [۳۱ فروردین ۱۳۵۹] به عنوان قائم مقام مدیرعامل اوتیس ایران به

(۲) لایحه قانونی مربوط به تعیین مدیر یا مدیران موقت برای سرپرستی واحدهای تولیدی، صنعتی، تجاری، کشاورزی و خدماتی، اعم از بخش عمومی و خصوصی در تاریخ ۱۶ ژوئن ۱۹۷۹ [۲۶ خرداد ۱۳۵۸] تحت عنوان تصویب نامه شماره ۶۷۳۸ توسط نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران صادر و در هشتم ژوئیه ۱۹۷۹ [۱۷ تیر ۱۳۵۸] بعنوان قانون شماره ۷/۲۵۷۱ مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۷۹ [۲۹ خرداد ۱۳۵۸] در روزنامه رسمی [ایران] منتشر شد.

وزارت بازرگانی نامه‌ای نوشته و اطلاع دهد که سهامداران خارجی و ایرانی مبلغ مصالحه را تصویب کرده‌اند. ظاهراً در پاسخ به این نامه بود که وزارت بازرگانی در ۲۳ آوریل ۱۹۸۰ [سوم اردیبهشت ۱۳۵۹] حکم انتصاب آقای شاهعلی را لغو کرد.

۱۸ - آقای نائینی از طریق ارتباط دائم با آقای فائق درباره موافقت نامه پیشنهادی، در این مدت تماس خود را با خواهان از نزدیک حفظ کرد. به موجب یک رشته تلکسهای که در اوایل سال ۱۹۸۰ بین آقای نائینی و آقای فائق مبادله گردید، وزارت بازرگانی از قبول مسئولیت در مورد موافقت نامه پیشنهادی و پیامدهای آن امتناع کرد.

۱۹ - ظاهراً موافقتنامه مربوط به پرداخت خواسته‌های سندیکای کارگران در اواخر آوریل و اواسط مه ۱۹۸۰ اجرا گردید. در پنجم مه ۱۹۸۰ [۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۹] آقای نائینی به آقای فائق اطلاع داد که با استفاده از وجوه حسابی که با چک ۳۰ میلیون ریالی افتتاح گردیده، برخی از کارمندان بازخرید شده و گروه دیگری نیز در همان هفته باز خرید خواهند شد. ظاهراً از ماه مه ۱۹۸۰ به بعد، ارتباط بین آقای نائینی و اوتیس محدود بود و هیئت مدیره یاسهامداران آسانسور ایران دیگر تشکیل جلسه ندادند. مدارک موجود حاکی است که بعضی از سهامداران ایرانی در سال ۱۹۸۳ تقاضای تشکیل مجمع عمومی کردند، ولی جلسه به علت نرسیدن به حد نصاب، تشکیل نشد.

۲۰ - بعد از لغو حکم انتصاب ناظر مالی و پس از آنکه حدوداً مدت هفت ماه این سمت بلا تصدی ماند، انتصاب فردی بنام آقای بسیج به عنوان ناظر مالی آسانسور ایران در روزنامه رسمی مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۰ [پنجم آذر ماه ۱۳۵۹] اعلام گردید. متعاقباً در تاریخ چهارم ژوئیه ۱۹۸۲ [۱۳ تیر ۱۳۶۱] فرد دیگری بعنوان ناظر جانشین ایشان شد.

سوم - موضوعات شکلی

(یک) شهود

۲۱ - در بیستم اوت ۱۹۸۶ [۲۹ مرداد ۱۳۶۵] خواهان ضمن ثبت اطلاعیه‌ای، سه نفر شاهد معرفی کرد که عبارت بودند از: آقای ژولن، آقای فائق و آقای مک گرا. طبق ماده ۲۵ قواعد دیوان، خواهان می‌بایست حداقل سی روز قبل از جلسه استماع، اطلاعیه مزبور را به ثبت می‌رساند. دیوان نظر داد که آقای ژولن و آقای فائق، که هر دو در زمانهای ذریبط از کارمندان اوتیس بوده‌اند، مجاز به ادای شهادت هستند، ولی آقای مک گرا، از گروه استاندارد ریسرچ کانسالتنتس، را که یک گزارش ارزیابی تهیه کرده‌بود، نمی‌توان به عنوان شاهد معرفی کرد، مگر در حدی که معرفی وی به منظور رد اظهارات خواندگان در جلسه استماع، قابل توجیه باشد. خواهان تنها آقای ژولن را به عنوان شاهد معرفی کرد و از آقای مک گرا خواسته شد که بطور اختصار در رد [اظهارات خواندگان] مطالبی بیان نماید.

(دو) قابلیت پذیرش مدارکی که با تاخیر به ثبت رسیده

۲۲ - دیوان تعدادی سند را که خواندگان در ۲۲ و ۲۵ اوت ۱۹۸۶ [۳۱ مرداد و سوم شهریور ۱۳۶۵] به ثبت رسانده بودند پذیرفت، زیرا آنها را جزو مدارک معارضی دانست که قبلاً "اجازه داده شده‌بود، و ضمناً" خواهانها نیز به تاخیر در ثبت آنها اعتراض نکرده‌بودند. لکن، دیوان از پذیرش مدرکی که بانک ملت یک هفته قبل از استماع تسلیم کرده بود، خودداری نموده، متذکر گردید که بانک ملت نه درخواست قبول چنین لایحه خارج از موعدی را کرده و نه توضیحی راجع به علت تاخیر در ثبت آن ارائه داده‌است.

چهارم - صلاحیت

۲۳ - خواهان مدارکی تسلیم نموده که حاکی است خواهان یک شرکت آمریکایی است که در ایالت دله ورتشکیل شده و در کلیه اوقات ذریبطه، شرکت فرعی کاملاً متعلق به اوتیس الویتور کامپنی (یک شرکت تشکیل یافته در ایالت نیوجرسی) بوده که بنوبه خود، یک شرکت فرعی کاملاً متعلق به یونایتد تکنالوجیز کورپوریشن ("یوتی.سی.سی.") می باشد و بیش از ۹۵٪ سهام واجد حق رای شرکت اخیرالذکر، به نام سهامدارانی ثبت شده که نشانی آنها در ایالات متحده است. دیوان متقاعد شده است که خواهان طبق تعریف بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی تبعه ایالات متحده است و حق دارد ادعای خود را [در دیوان] اقامه نماید.

۲۴ - هرچند که در لوایح تسلیمی اشاره شده که در تاریخی بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ [۲۹ دیماه ۱۳۵۹] خواهان از اورسیز پرایوت اینوستمنت کورپوریشن ("اوپیک") که یک سازمان دولتی ایالات متحده است، بابت سرمایه گذاری خود در آسانسور ایران مبلغی به عنوان خسارت بیمه دریافت کرده، با اینحال روشن است که به دلایل مندرج در حکم شماره ۲-۹۹-۲۱۷ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۸۶ [۲۸ اسفند ۱۳۶۴] صادره در پرونده فلیس داج کورپوریشن و اورسیز پرایوت اینوستمنت کورپوریشن و جمهوری اسلامی ایران، دریافت چنین وجهی نمی تواند تاثیری در صلاحیت دیوان داشته باشد. در پرونده حاضر، اوپیک بعنوان خواهان مشترک اقدام [به طرح دعوی] نکرده است.

۲۵ - ادعا علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، از جمله وزارتخانه های آن و همچنین بانک ملت (سابقاً) بانک تجارت خارجی ایران) که کلیه آنها طبق بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی خوانده صحیح دعوی هستند، اقامه گردیده است.

۲۶ - ادعا در حیطه صلاحیت دیوان است، زیرا طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعا از سلب مالکیت ادعائی یا سایر اقدامات موثر در حقوق مالکیت ناشی می شود.

۲۷ - بنابراین، دیوان متقاعد شده است که صلاحیت رسیدگی به این ادعا را دارد.

پنجم - ماهیت دعوی

۲۸ - برای آنکه اوتیس بتواند در ادعای خود در دیوان حاکم شناخته شود، باید ابتدا اثبات کند که در حقوق مالکانه وی به اندازه‌ای مداخله شده که در استفاده از آن حقوق یا بهره‌مندی از منافع آن تاثیر اساسی گذاشته و وی در اثر این مداخله متحمل زیان شده است و ثانیاً اینکه مداخله قابل انتساب به دولت ایران است. رجوع شود به ص ۱۰ تا ۱۲ [متن انگلیسی] حکم شماره ۲-۷-۱۴۱ مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۸۴ [اول تیر ۱۳۶۳] صادره در پرونده تیتس، ایت، مک کارتی، استراتن و مهندسین مشاور تامس آفا ایران و سایرین. همچنین رجوع شود به: ص ۱۰ تا ۱۲ [متن انگلیسی] حکم شماره ۲-۳۳۵-۲۴۵ مورخ هشتم اوت ۱۹۸۶ [۱۷ مرداد ۱۳۶۵] صادره در پرونده تامس ارل بین و دولت جمهوری اسلامی ایران.

۲۹ - بنابراین، دیوان باید دخالت‌های مورد شکایت اوتیس را بررسی و تعیین کند که آیا هیچیک از این مداخلات یا تمامی آن‌ها قابل انتساب به دولت ایران هست یا خیر، و آیا هیچیک از این مداخلات منفرداً یا مجموعاً در آنچنان حد و میزانی بوده که دیوان بتواند بر آن اساس نظر دهد که سلب مالکیتی واقع شده است، یا خیر. در این رابطه، دیوان باید بین اعمالی که به آسانسور ایران و اعمالی که به اوتیس ایران مربوط می‌شود و موضوع دعوای جداگانه‌ای در دیوان است، تفاوت قائل گردد.

۳۰ - اوتیس استدلال می‌کند که کارمندان خارجی وی مورد ایذا^۶ واقع و به علت جو عمومی تنفر و ضدیت با خارجی‌ان، کارمندان مزبور مجبور به عزیمت از ایران شدند. خواهان ادعا می‌کند که خود دولت ایران به این جو دامن می‌زد و وجود این جو منجر به عزیمت مقامات اوتیس از ایران و در نتیجه، محرومیت اوتیس از حق خود نسبت به اداره آسانسور ایران گردید. در اینجا، خواهان در استدلالات خود بین آسانسور ایران و اوتیس

ایران تمایزی قائل نشده است. دیوان متذکر می شود که هرچند حدود ۴۵ کارگر خارجی شاغل در عملیات گروه اوتیس در جریان ناآرامی های ناشی از انقلاب، ایران را ترک کردند، لکن همگی آنها کارگران اوتیس ایران بودند. دیوان یادآور می شود که در اوایل سال ۱۹۷۹ عده قلیلی از کارمندان خارجی اوتیس ایران (که سمت های مشابهی را نیز در آسانسور ایران برعهده داشتند) ایران را ترک کردند و جای خود را به پرسنل ایرانی دادند. از آن تاریخ به بعد، دیوان تنها مدرک عزیمت آقای فائق را که وظیفه اصلی وی مدیریت عامل اوتیس ایران بود و در نوامبر ۱۹۷۹ ایران را ترک کرد، در دست دارد. دیوان ملاحظه می کند که مدیرعامل جدید، یعنی آقای نائینی از نوامبر سال ۱۹۷۹ تا اوایل سال ۱۹۸۰ با آقای فائق ارتباط نزدیک داشت و از آن بعد نیز گهگاه با وی در تماس بود. بنابراین، دیوان نتیجه می گیرد که عزیمت آقای فائق، صرفنظر از اینکه اختیاری یا اجباری بوده، نمی تواند به تنهایی دلیل کافی برای مداخله در حقوق خواهان نسبت به اداره آسانسور ایران تلقی، و بر آن مبنا نظر داده شود که سلب مالکیتی واقع شده است.

۳۱ - خواهان همچنین به این مطلب استناد می کند که اعضای سندیکای کارگران که از پرسنل اوتیس ایران تشکیل شده، و مستقیماً از وجوه برداشتی توسط آقای نائینی از حساب آسانسور ایران منتفع شدند، پاسداران انقلاب بودند و اعمال خشونت آمیز آنان قابل انتساب به دولت ایران است. دیوان متذکر می شود که تنها مدرک دخالت پاسداران انقلاب در سندیکای کارگران که در این پرونده در دیوان مطرح شده، سوگندنامه آقای فائق است که در آن نامبرده اظهار داشته است که: "تعدادی از اعضای سندیکای کارگران در مواقع مختلف به من گفتند که سپاهی انقلابند". به نظر دیوان، این موضوع به بررسی ادعای مرتبط با اوتیس ایران احتمالاً بیشتر مربوط است و چندان اهمیتی در بررسی ماهیت پرونده حاضر ندارد و از آنجا که مدرک کافی در این رابطه در پرونده حاضر ارائه نشده، دیوان از اظهار نظر در این باره خودداری می کند.

۳۲ - در مورد اعمال سندیکای کارگران، خواهان استدلال می‌کند که وزارت کار و وزارت بازرگانی با حمایت از خواسته‌های آنان در مورد پرداخت حقوق بازریدی بمراتب بیش‌از میزان قانونی و الزام به پرداخت حقوق بازریدی از محل وجوه تصاحب شده از حساب بانکی آسانسور ایران، نسبت به اعمال سندیکای مزبور اغماض، و آنرا فعالانه تشویق می‌کردند. وزارت بازرگانی هرگونه دخالتی در مورد سندیکای کارگران را انکار کرده، می‌گوید که بازریدی خدمت کارمندان اوتیس ایران توسط مقامات قانونی و منصوب اوتیس ایران انجام گرفت.

۳۳ - دیوان متذکر می‌شود که سندیکای کارگران از کارمندان اوتیس ایران تشکیل شده‌بود و نه از کارمندان آسانسور ایران، و مذاکرات با آقای فائق و متعاقباً با آقای نائینی به عنوان مدیران اوتیس ایران صورت گرفت. برای آنکه خواهان در این مورد برحق شناخته شود، لازم است نه تنها دخالت وزارتخانه‌های مربوط را در سندیکای کارگران اثبات نماید، بلکه باید به طور مشخص تر اثبات کند که وزارتخانه‌های مزبور اتلاف وجوه آسانسور ایران را تشویق کرده و یا در آن مشارکت داشتند. ولی چنین چیزی اثبات نشده‌است. مدارک نشان می‌دهد که اختیار وجوه برداشتی از حساب آسانسور ایران با آقای نائینی و سه نفر از کارگران اوتیس ایران بوده و نامبرده هنگام برداشت وجوه رسماً مدیر منصوب آسانسور ایران بوده و به عنوان کارمند اوتیس ایران به اداره آن وجوه و مذاکره با سندیکای کارگران ادامه داده‌است. اعمال خلاف مربوط به برداشت وجوه، در ژانویه ۱۹۸۰ صورت گرفت و مدرکی حاکی از آنکه هر یک از این دو وزارتخانه دخالتی در افتتاح یک حساب جداگانه داشته‌باشند، در دیوان وجود ندارد.

۳۴ - به علاوه، وزارت بازرگانی طی نامه مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۸۰ [سوم اردیبهشت ۱۳۵۹] خود، ضمن لغو حکم انتصاب ناظر مالی اعلام کرد که:

چون اخذ تصمیم در مورد بازریدی خدمت کارکنان خارج از حدود اختیارات این وزارت می‌باشد، بدینوسیله [حکم] ماموریت شما به عنوان

ناظر مالی در شرکتهای آسانسور اوتیس و آسانسور ایران از تاریخ فوق لغو می‌گردد. (خط تاکید اضافه شده است).

۳۵ - خواهان همچنین اظهار می‌دارد که بانک ملت که تحت کنترل دولت است با دادن اجازه برداشت ۳۰ میلیون ریال از حساب جاری و انتقال داخلی از حساب سپرده بهره‌دار به منظور افزایش موجودی حساب جاری و همچنین با رد درخواست هیئت مدیره مبنی بر برگشت مانده وجوه به یک حساب بهره‌دار، در عملیات مربوط به حساب های بانکی آسانسور ایران مرتکب خلاف شده است.

۳۶ - بررسی وکالتنامه‌هایی که آقایان ارجمند و فائق به ترتیب به آقایان پورزند و نائینی داده و آنرا نزد بانک تودیع کرده‌اند، نشان می‌دهد که اختیارات تفویضی، جامع بوده و شامل "افتتاح حسابهای جاری و پس انداز و تودیع و برداشت از آن حسابها نیز می‌شده... و همچنین انتقال داخلی از حساب سپرده به حساب جاری را نیز در بر می‌گیرد. بعلاوه، از نظر بانک ملت این وکالت نامه‌ها کافی برای پرداخت چک ۳۰ میلیون ریالی بود که توسط افراد مجاز، یعنی آقایان پورزند و نائینی امضاء شده بود و با وجه آن چک حساب جداگانه دیگری تشکیل گردید. (۳) دیوان متذکر می‌شود که هردوی این عملیات بانکی، قبل از آنکه بانک تلکس آقای فائق را دریافت کند، انجام شده بود. در این تلکس، آقای فائق کوشید که این معاملات را لغو و به بانک اعلام کند که انتقالات حسب ادعا در شرایط اجبار صورت گرفته و غیرقانونی بوده است. به نظر دیوان بانک حق داشته به اوتیس اطلاع دهد که طبق دستورهای جاری آسانسور ایران، بانک نمی‌تواند صرفاً براساس دستورات آقای فائق اقدام کند. متعاقباً در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰ [هشتم بهمن ۱۳۵۸] بانک ملت تلکس تصدیق و تأییدشده‌ای را که مشترکاً توسط آقای فائق و آقای ارجمند صادر، و طی آن حق امضای آقایان نائینی و پورزند لغو شده بود،

(۳) این عملیات همچنین منطبق با مقررات ماده ۲۸ اساسنامه شرکت بود که قید می‌کرد اسنادی که تعهد مالی ایجاد کنند باید توسط دو نفر از اعضاء هیئت مدیره یا نمایندگان آنها امضاء شود.

دریافت کرد. ولی در این اثناء، وجوه منتقل شده و حساب جداگانه‌ای با رعایت تشریفات صحیح بانکی افتتاح شده بود. دیوان اظهارات بانک ملت را مبنی بر اینکه بانک مسئول اقدام به ابطال عملیات بانکی مزبور نبوده، می‌پذیرد.

۳۷ - در این مرحله، آقای فائق و آقای ارجمند دستوراتی صادر کردند مبنی بر اینکه کلیه وجوه حساب جاری به حسابهای سپرده دیداری بهره‌دار منتقل شود. بانک می‌بایست از این دستور پیروی می‌کرد، اما چنین نکرد، زیرا بطوریکه صورت های مالی آسانسور ایران نشان می‌دهد، موجودی حساب جاری تا تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۸۰ [نهم آذر ۱۳۵۹] به جای خود باقی بود. امتناع من غیرحق بانک از انتقال وجوه از یک حساب به حساب دیگر، به خودی خود و بدون ارائه هیچ مدرک دیگری مبنی بر اینکه بانک متعاقبا اقدامی در جهت مداخله یا ایجاد محدودیت در برداشت از حسابها یا انجام عملیات بانکی صورت داده، مداخله‌ای آنچنان مهم نیست که بر اساس آن بتوان نظر داد که سلب مالکیتی واقع شده است.

۳۸ - خواهان استدلال می‌کند که دولت ایران مسئول امتناع وزارت دادگستری از ثبت و انتشار صورتجلسه نشست مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۸۰ [نهم بهمن ۱۳۵۸] هیئت مدیره است که به منظور برکناری آقای نائینی از سمت خود به عنوان مدیرعامل آسانسور ایران تشکیل شد. طبق استدلال خواهان، اختیار استخدام و انفصال مدیران، یکی از عناصر اساسی حقوق وی در آسانسور ایران بوده است. دیوان ملاحظه می‌کند که نامه مورخ چهارم مارس ۱۹۸۰ [۱۳ اسفند ۱۳۵۸] اداره ثبت شرکتها حاوی امتناع صریح از ثبت صورتجلسه نبوده، بلکه طی آن به مقامات شرکت اطلاع داده شده که برای انتخاب هیئت مدیره جدید اقدام کنند، زیرا مدت تصدی هیئت مدیره وقت منقضی شده بوده است. تردیدی نیست که مدت دو سال ماموریت هیئت مدیره منقضی شده بود. قسمتی از نامه مزبور در زیر نقل می‌شود:

۶/۲۸۱۳۵

چون مدت ماموریت هیئت مدیره باستناد گزارش شماره
۲۵۳۶/۱۱/۵
صادره از این اداره در تاریخ [۲۴ ژانویه ۱۹۸۰] ۵۸/۱۱/۴ پایان
یافته است لذا ابتدا از طریق تشکیل مجمع عمومی عادی نسبت به
انتخاب اعضای هیئت مدیره جدید اقدام نمائید تا تغییرات بعدی در
هیئت مدیره ثبت و منتشر شود.

۳۹ - از مفاد ماده ۱۸ اساسنامه شرکت (۴) و ماده ۱۳۶ قانون تجارت ایران (۵) به
روشنی برمی آید که اختیارات و وظایف مدیرانی که مدت ماموریت آنها منقضی شده تا
تعیین مدیران جدید ادامه می یابد. ولی مدرکی وجود ندارد که هیئت مدیره یا
سهامداران به دستور اداره ثبت شرکتها عمل نموده یا اصرار کرده باشند که صورتجلسه
آنها طبق اساسنامه یا قانون تجارت ثبت گردد. به علاوه، مدرکی حاکی از اینکه اطلاعیه
مزبور به منظور ممانعت از اعمال حقوق خواهان برای شرکت در مدیریت آسانسور ایران
صادر شده بوده و یا به نحوی از انحاء، تبعیض آمیز و یا چیزی غیر از یک جواب اداری
معمولی بوده باشد، وجود ندارد.

۴۰ - موضوع دیگری که باید مورد رسیدگی قرار گیرد، استدلال خواهان است مبنی بر
اینکه انتصاب آقای شاهعلی به عنوان ناظر مالی آسانسور ایران از طرف وزارت بازرگانی
به منزله مداخله اساسی در حقوق خواهان بوده است. با آنکه طبق رویه این دیوان،
انتصاب ناظر یا مدیر دولتی معمولاً از نظر دیوان منجر به محرومیت از حقوق

(۴) مدت ماموریت. مدت ماموریت مدیران دو (۲) سال خواهد بود، ولی هریک از مدیران
باید تا زمانی که جانشین وی رسماً انتخاب نشده به انجام وظایف خود ادامه دهد.

(۵) در صورت انقضای مدت ماموریت مدیران، تا زمان انتخاب مدیران جدید، مدیران سابق
کماکان مسئول امور شرکت و اداره آن خواهند بود. هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع
عمومی به وظیفه خود عمل نکنند، هر ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع
عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

اساسی مالکیت شده و برای مسئول شناختن دولت به پرداخت غرامت کافی بوده (۶)، با اینحال دو عنصر مهم وجود دارد که چون با واقعیات متفاوت و غیرعادی این پرونده در نظر گرفته شود، آن را از تصمیمات قبلی دیوان متمایز می‌کند.

۴۱ - آقای نائینی در ۲۲ ژانویه ۱۹۸۰ [دوم بهمن ماه ۱۳۵۸] از وزارت بازرگانی درخواست کرد که برای هر دو شرکت ناظر دولتی تعیین شود و حال آنکه در ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰ [هشتم بهمن ۱۳۵۸] طی تلکسی به آقای فائق اطلاع داد که انتصاب ناظر اوتیس ایران به پیشنهاد اینجانب نبوده، بلکه در نتیجه مشکلات شرکت بوده که توسط دولت پیشنهاد و دیکته شده. این اقدامات و اظهارات ضد و نقیض، احراز واقعیات را دشوار می‌سازد، به ویژه آنکه آقای فائق و آقای نائینی هیچکدام در جلسه استماع به عنوان شاهد حضور نیافتند. در هر حال، می‌توان قبول کرد که مشکلات اوتیس ایران بود (و نه آسانسور ایران) که اساساً باعث شد اشخاص درگیر در آن رویدادها، داشتن یک ناظر دولتی را مفید بدانند. مدرکی حاکی از آنکه دولت راساً ناظری را تعیین کرده‌باشد که نقش وی مشخصاً کنترل آسانسور ایران می‌بود، ارائه نشده‌است.

۴۲ - گرچه در ابلاغ انتصاب آقای شاهعلی به عنوان ناظر مالی آسانسور ایران، ذکر شده که اسنادی که برای شرکت ایجاد تعهد می‌کند باید توسط ایشان نیز امضاء شود، معیذا مدرک دیگری حاکی از آنکه ناظر منصوب دولت کنترل عملیات آسانسور ایران را در

(۶) قرار اعدادی شماره ۱-۲۴-۳۲ مورخ ۱۹ دسامبر ۱۹۸۳ [۲۸ آذر ۱۳۶۲] صادره در پرونده استارت هاووزینگ کوریوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و حکم شماره ۲-۷-۱۴۱ مورخ ۲۹ ژوئن ۱۹۸۴ [هشتم تیر ۱۳۶۳] صادره در پرونده تیپتس، ایت، مک کارتی، استراتن و مهندسین مشاور تامس آفا - ایران و قرار اعدادی شماره ۳-۱۲۹-۵۵ مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۵ [ششم آبان ۱۳۶۴] صادره در پرونده سدکو اینکوریوریتد و سایرین و شرکت ملی نفت ایران و حکم شماره ۲-۹۹-۲۱۷ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۸۶ [۲۸ اسفند ۱۳۶۴] صادره در پرونده فلپس داج کوریوریشن و سایرین و جمهوری اسلامی ایران و حکم شماره ۲-۳۳۵-۲۴۵ مورخ هشتم اوت ۱۹۸۶ [۱۷ مرداد ۱۳۶۵] صادره در پرونده تامس ارل پاین و دولت جمهوری اسلامی ایران.

دست داشته، وجود ندارد. در واقع فعالیتی وجود نداشت که نیازه نظارت داشته باشد. آسانسور ایران در مذاکرات مربوط به بازخريد کارگران شرکت دخالتی نداشت، زیرا اصولاً کارگری نداشت و درگیر معاملات تجاری عادی که هر شرکت فعالی دارد نیز، نبود. مدرکی وجود ندارد که اعمال ناظر مالی را با تصاحب ۳۰ میلیون ریالی که بدو^۱ قسمتی از ذخایر نقدی آسانسور ایران بود و برای پرداخت به کارگران اوتیس ایران از آن استفاده شد، مربوط سازد. این انتقال بانکی در ۱۶ ژانویه ۱۹۸۰ [۲۶] دیماه ۱۳۵۸] انجام شد، حال آنکه انتصاب ناظر مالی حدود سه هفته قبل از آن، یعنی در ۱۵ فوریه ۱۹۸۰ [۲۶] بهمن ۱۳۵۸] صورت گرفت.

۴۳ - همانطور که در بالا گفته شد، آقای شاهعلی همزمان به عنوان ناظر دولتی اوتیس ایران نیز منصوب گردید. دیوان متذکر می شود که هم درخواست آقای نائینی برای نصب ناظر مالی برای هر دو شرکت و هم اعلام لغو حکم انتصاب نامبرده، بیشتر گویای وضعیت و مشکلات اوتیس ایران است و از اهمیت تعیین ناظر برای آسانسور ایران، بیشتر می کاهد. مدرک مربوط به لغو حکم انتصاب آقای شاهعلی در ۲۳ آوریل ۱۹۸۰ [سوم اردیبهشت ۱۳۵۹] با ذکر این دلیل که تصمیمات مربوط به پرداخت حقوق خاتمه خدمت کارمندان، خارج از حدود اختیارات وی بوده، هرگونه ارتباط بین اعمال ناظر مالی و استفاده غیرقانونی از وجوه آسانسور ایران را نفی می کند (رجوع شود به بند ۳۴ فوق).

۴۴ - مدارک حاکی است که بعد از لغو حکم انتصاب آقای شاهعلی در آوریل ۱۹۸۰، ناظر مالی دیگری در نوامبر ۱۹۸۰ تعیین گردید. هرچند شواهد و مدارکی در مورد درخواست انتصاب ناظر بعدی وجود ندارد، دیوان متذکر می شود که غیبت مستمر آقای فائق یکی از دلایل درخواست اولیه برای نصب ناظر بوده است. مدرکی در دست نیست که نشان دهد آقای شاهعلی یا جانشینان ایشان در وجوه آسانسور ایران از سایر جهات مداخله یا اعمال کنترل نهائی کرده، یا از وجوه باقیمانده برای مقاصد ناروایی استفاده کرده باشند.

۴۵ - خواهان اظهار می‌دارد که ادامه دخالت آقای نائینی در امور شرکت و اینکه نامبرده علیرغم اقدام هیئت مدیره به برکناری وی، ظاهراً کماکان به تصدی شغل خود بعنوان مدیر عامل ادامه داد، قرینه دیگری است بر اینکه حقوق وی به عنوان مالک به طور اساسی مورد مداخله واقع شده بود. دیوان متذکر می‌شود که علیرغم اهمیتی که اوتیس ظاهراً برای اجرای تصمیم هیئت مدیره درمورد تعویض آقای نائینی قائل است، با اینحال اوتیس بعد از بی نتیجه ماندن کوششهای خود برای ثبت صورتجلسه هیئت مدیره، کماکان با آقای نائینی درباره امور هر دو شرکت تماس می‌گرفت و به نظر می‌رسد که کماکان وی را نماینده محلی خود می‌دانست.

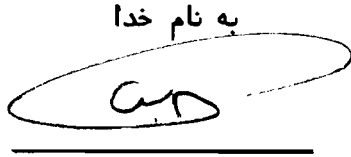
۴۶ - خواهان همچنین استدلال می‌کند که اطلاعات دیگری درباره وضعیت یا عملیات آسانسور ایران یا اطلاعاتی مشابهی که به عنوان سهامدار حق داشته دریافت کند، وصول ننموده‌است. با اینحال، خواهان مدرکی نیز ارائه نداده که نشان دهد وی به عنوان سهامدار طبق اساسنامه اقدام به درخواست چنین اطلاعات و یا اعمال حقوق خود کرده‌باشد. دیوان همچنین متذکر می‌شود که شواهد و مدارکی حاکی از آنکه شرکت از ابتدای تاسیس خود، فعالیتی غیر از مختصری امور اداری و حسابداری داشته و یا اینکه مشخصاً به خواهان اجازه شرکت در امور شرکت داده نشده، وجود ندارد. صورتهای مالی حسابرسی نشده مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۸۰ [نهم آذر ۱۳۵۹] آسانسور ایران که آقای نائینی در چهارم فوریه ۱۹۸۱ [۱۵ بهمن ۱۳۵۹] برای آقای فائق ارسال داشت، حاکی است که وضع مالی آسانسور ایران از پایان ژانویه ۱۹۸۰ ببعد تغییر زیادی نکرده بود و شرکت کماکان بابت سپرده‌های خود ظاهراً عوایدی تحصیل می‌کرد.

۴۷ - برای آنکه دیوان بتواند رای دهد که محرومیت یا سلب مالکیتی صورت گرفته، باید متقاعد شود که دولت در حقوق خواهان به عنوان سهامدار آسانسور ایران، مداخله کرده، بنحوی که وی را از استفاده و بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری خود بطور اساسی محروم کرده است. با توجه به مجموع مدارک مطروح، بنظر دیوان عوامل متعددی در استفاده

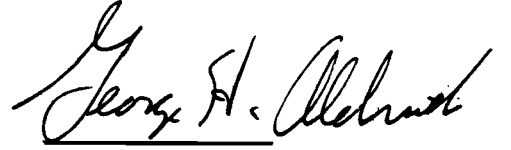
لاہء، به تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۸۷ برابر با ۹ اردیبهشت ۱۳۶۶



روبرت براینر
رئیس شعبه دو

به نام خدا


حمید بهرامی احمدی
موافق



جرج اچ. آلدریچ
نظر مخالف